

## پویش‌شناسی روانی «خود» در دانشجویان ایرانی و آمریکایی

سمیه بابائی<sup>۱\*</sup>، شهریار شهیدی<sup>۲</sup>، محمود حیدری<sup>۳</sup>، علیرضا عابدین<sup>۴</sup> و فاطمه باقریان<sup>۳</sup>

دریافت مقاله: ۹۲/۱/۱۵؛ دریافت نسخه نهایی: ۹۲/۴/۱۵؛ پذیرش مقاله: ۹۲/۷/۲۶

### چکیده

**هدف:** هدف مطالعه تعیین و مقایسه پویش‌شناسی روانی «خود» در دانشجویان ایرانی و آمریکایی بود. **روش:** روش پژوهش از نوع علی‌مقایسه‌ای و جامعه آماری شامل ۱۰۰۰۰ دانشجوی تهرانی و نمونه پژوهش شامل ۷۵۴ زن و ۴۴۶ مرد دانشجو بود که به شیوه تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به سنخ‌نمای مایرز بریگز (مایرز، مک‌کولی، کوئک و هم، ۱۹۹۸) و فهرست صفات گاف و هیلبران (۱۹۸۳) پاسخ دادند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد بر اساس ساختار اجتماعی عمودی ایرانی‌ها رقابت‌جوئی و پرخاشگری بالا و مهرورزی پایین دارند و تنش بیش‌تری را در روابط تجربه می‌کنند و درون‌گراتر و شهودی‌تر و آمریکایی‌ها برون‌گرا و عینی‌ترند. در دو گروه بار تفاوت فرهنگی بیش‌تر بر زنان قرار داشت و مردان بیش‌تر شبیه هم بودند. در سایر موارد تفاوت معناداری مشاهده نشد. **نتیجه‌گیری:** هسته اصلی تفاوت در پویش‌شناسی خود در این دو جمعیت در امنیت و ساختار توزیع قدرت، عقلائییت، عینیت و جنس نهفته است. از این نتایج می‌توان در ایران برای بومی‌سازی مفاهیم روان‌شناختی و با توجه به فرهنگ در حیطه‌های کاربردی هم‌چون روان‌درمانی پویشی سود جست.

**کلیدواژه‌ها:** پویش‌شناسی روانی، خود، سنخ‌نمای مایرز بریگز، فرهنگ

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی Email: somayebabai@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

۳. استادیار دانشگاه شهید بهشتی

۴. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

## مقدمه

«خود<sup>۱</sup>» در فرهنگ‌های لغت فارسی به معنای خویشتن، شخص، ذات، نفس و وجود تعریف شده است (وکیلی، ۱۳۸۸). در فرهنگ واژه‌های انگلیسی «خود» شامل کیفیت‌های اساسی است که یک فرد را از دیگری متمایز می‌کند (آکسفورد، ۲۰۱۳). عبارتهایی چون خودپنداشت، حرمت خود، خودآگاهی و خودارزشیابی نشانه گستردگی مباحث مربوط به خود و نیز بنیادی بودن آن در روان‌شناسی است. (پورحسین، ۱۳۸۴). خود از آغاز بررسی‌های فرهنگی با محوریت روان‌شناسی در پهنه وسیعی از یافته‌های تجربی نقش مرکزی داشته است (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ تریاندیس، ۱۹۹۸).

پیش‌تر تأکید این ادبیات به دلیل تأثیرگذاری اثر اولیه مارکوس و کیتایاما (۱۹۹۱) به صورت یک‌بعدی و افراطی بر ساختار خود هم‌وابسته/مستقل در رابطه با جمع‌گرایی/فردگرایی (تریاندیس، ۱۹۹۵؛ هافستد، ۱۹۹۱) بود. پژوهش‌های اخیر (سانتاماریا، لاماتا، هنسن و روئیز، ۲۰۱۰؛ هرب و اسمیت، ۲۰۰۸؛ هاردین، لئونگ و باگوات، ۲۰۰۴)، فرضیه زیربنایی مارکوس و کیتایاما (۱۹۹۱) را به دلیل دو قطبی بودن، مانع‌الجمع پنداشتن ویژگی‌های جمع‌گرایانه/فردگرایانه و تأکید بر یک بُعد، مورد انتقاد قرار دادند و اتخاذ رویکردی چند بعدی را پیشنهاد کردند. هم‌چنین پژوهش‌های بین‌فرهنگی مذکور در باب بررسی فرهنگی خود غالباً به مقایسه شرق دور با غرب پرداخته‌اند و پژوهش‌های بنیادی اندکی (قربانی، بینگ، واتسون، داویسون و لیبرتون، ۲۰۰۳؛ واتکینز، مرتضوی و تروفیموا، ۲۰۰۰) به مقایسه فرهنگ ایرانیان با دیگر فرهنگ‌های پرداخته‌اند.

از این‌رو به منظور کاوش پیرامون «خود» در فرهنگ ایرانی ترسیم چندبُعدی در زمینه عمیق‌ترین سطوح شخصیت ایرانیان در مقایسه با غرب ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین اتخاذ رویکرد چندبُعدی «خود» را به خوبی می‌توان در رویکرد سنخ‌شناختی یونگ و نظریه تیپ‌های شخصیتی او و نیز رویکرد صفات گاف و هیلبران (۱۹۸۳) یافت. طبقه‌بندی و مفهوم‌پردازی چندوجهی یونگ از دیرینه سنخ «خود» به عنوان عامل سازمان‌دهنده کل شخصیت و فهم نظریه او از تنوع فرهنگی این نظریه را برای بررسی فرهنگی خود مطرح می‌سازد.

سنخ‌نمای مایرز بریگز (مایرز، مک‌کولی، کوئیک و همرا، ۱۹۹۸) به طور گسترده‌ای برای سنخ‌شناسی یونگ و سنجش «خود» به کار رفته است. صفات نیز به عنوان طبقه‌های ویژه‌ای از واژه‌ها به طور جهانی برای تشریح ساختار شخصیت به کار می‌رود. مشخص کردن افراد بر اساس استفاده

- 
1. self
  2. Watkins & Trofimova
  3. Myers, McCaulley, Quenk & Hammer

پویش‌شناسی روانی «خود» در دانشجویان ایرانی و آمریکایی

از صفات در روان‌شناسی عام سراسر جهان مشترک است (ستروایت و ساییز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸) و می‌تواند مناسب بررسی فرهنگی «خود» باشد. مقیاس‌های فهرست صفات<sup>۲</sup> گاف و هیلبران<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) یک روش نظام‌مند برای بررسی ساختار «خود» توسط صفات است و در زمینه‌هایی مانند مشخص-کردن خود واقعی، خودآرمانی، خود قبلی یا آینده، از آن استفاده شده است. از آن‌جا که این دو رویکرد می‌تواند برای بررسی بین‌فرهنگی «خود» مناسب باشد و هم‌چنین به دلیل در دست نبودن اطلاعات مستقیم در این مورد سؤال‌های این پژوهش به این شرح بود.

۱. نیم‌رخ چندبعدی از سنخ‌شناسی یونگی و اسنادهای شخصیتی در جمعیت دانشجویان ایرانی چیست؟

۲. آیا نیم‌رخ چندبعدی جمعیت دانشجویان ایرانی از سنخ‌شناسی یونگی و اسنادهای شخصیتی با هنجار غربی آن تفاوت دارد؟

## روش

روش این مطالعه علی - مقایسه‌ای و جامعه آماری دانشجویان ایرانی و آمریکایی بود. جدول مورگان برای نمونه بیش از ۱۰۰۰۰ نفر تعداد ۳۸۴ را پیشنهاد می‌کند. تعداد ۳۸۴ نفر از هر دانشگاه به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شد. سه دانشگاه فنی، پزشکی و جامع شهر تهران در نظر بود و حجم گروه نمونه ۱۱۵۲ نفر محاسبه شد. از هر یک از سه دانشگاه مذکور به تصادف یک دانشکده، سپس به تصادف از هر دانشکده انتخابی، رشته تحصیلی و از هر رشته، کلاس‌ها انتخاب شد.

در مورد دانشجویان آمریکا، از آماره‌های گزارش شده مایرز و همکاران (۱۹۹۸) و گاف و هیلبران (۱۹۸۳) در مورد جمعیت معرف دانشجویان در آمریکا سنخ‌های ۱۶ گانه برای ۱۲۶۳۷ مرد و ۱۴۵۱۹ زن و فهرست صفات نیز در ۲۶۲ دانشجو مرد و ۲۶۱ دانشجو زن استفاده شد. این نمونه‌ها مربوط به دانشجویان کارشناسی، محدوده سنی ۱۸ تا ۲۳ سال و شامل هر دو جنس بود. از این رو به لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و البته با رعایت احتیاط و در نظر گرفتن محدودیت در تفسیر یافته‌ها می‌تواند با نمونه ایرانی قابل مقایسه باشد. تفاوت زمانی بین گروه‌های نمونه مذکور نیز گرچه احتمال برخی تفاوت‌ها را مطرح می‌سازد، اما در روند مقایسه معمولاً مشاهده می‌شود که در گزارش‌های علمی از آماره‌های پژوهش‌های مختلف با فاصله‌های زمانی متفاوت در روش‌شناسی فراتحلیل و بررسی‌های بین فرهنگی استفاده می‌شود. از جمله

---

1. Satterwhite & Saiz  
2. adjective check list (ACL)  
3. Gough & Heilbrun

می‌توان به مقایسه شهیدی و جان‌نثاری (۱۳۸۲) بین آماره‌های گروه نمونه انگلیسی در فاصله سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۳ با داده‌های گروه نمونه ایرانی در سال ۱۳۸۲ در مورد نگرش به سالمندی اشاره کرد. در پژوهشی دیگر نیز دادستان، حق‌بین، بزازیان و حسن‌زاده (۱۳۸۳) برای تعیین تفاوت‌های فرهنگی و جنسی در جدایی روان‌شناختی، آماره‌های گروه نمونه دانشجویان ایرانی در سال ۱۳۸۱ را با آماره‌های پژوهش هافمن (۱۹۸۴) مقایسه کردند. از سوی دیگر با توجه به این‌که برای آزمون‌های روان‌شناختی در حالت معمول، هر دهه هنجار جدیدی ارائه نمی‌دهند، این مطلب نیز شاهدهی است بر این‌که میانگین یک گروه سنی خاص احتمالاً با گذر زمان شامل تغییرات چشم‌گیر نمی‌شود.

### ابزارهای پژوهش\*

۱. **سنخ‌نمای مایرز بریگز.** این سنخ‌نما بر مبنای نظریه تیپ‌های روان‌شناختی یونگ ساخته شد و بر اساس تفاوت افراد در ادراک و تصمیم‌گیری ۱۶ تیپ شخصیتی را ارائه می‌دهد که هر یک از آن‌ها غلبه ترجیح‌های شخصیتی در چهار مقیاس دو قطبی نظریه یونگ را نشان می‌دهد (مایرز و همکاران، ۱۹۹۸). نسخه «ام» پرسشنامه که در سال ۱۹۹۸ بر اساس بازنگری نسخه «جی» به‌وجود آمد؛ دارای ۹۳ سؤال دو گزینه‌ای است. محدودیت زمانی برای اجرای آن وجود ندارد و سرعت افراد در پاسخ‌گویی به آن متفاوت است. در مورد شرکت‌کنندگان این پژوهش متوسط زمان پاسخ حدود ۱۵ دقیقه بود. شیوه‌های نمره‌گذاری متفاوتی از جمله نرم‌افزار کامپیوتری و کلید کاغذی برای این سنخ‌نما وجود دارد.

در این بررسی برای نمره‌گذاری از نرم‌افزار استفاده شد. منطق زیربنایی نمره‌گذاری بر شمارش تعداد گویه‌های تعیین‌کننده هر بُعد قرار دارد. ترجیح سنخ‌شناختی در یک بُعد، بر اساس برتری گویه‌های علامت زده‌شده قرار دارد. در پژوهش‌های مربوط به اعتبار اغلب ضرایب قابل قبولی از ۰/۴۸ تا ۰/۸۹ گزارش شده است (ستریکر و راس، ۱۹۷۷؛ ستیل و کلی، ۱۹۷۶؛ کارلین، ۱۹۷۷؛ کارسکادون، ۱۹۷۷؛ مک‌کارلی و کارسکادون، ۱۹۸۳).

بررسی‌های فلینور و مسترانجلو (۲۰۰۱) حاکی از روایی و اعتبار قابل قبول نسخه «ام» پرسشنامه است. مایرز و همکاران (۱۹۹۸) گزارش می‌کنند همسانی درونی<sup>۱</sup> چهار مقیاس این پرسشنامه با استفاده از روش‌های دو نیمه‌سازی و ضریب آلفا بالا است. نسخه «ام» این پرسشنامه توسط عابدین و فاتحی (۱۳۸۸) ترجمه و سپس روایی ترجمه آن بررسی شد

\* علاقه‌مندان می‌توانند جهت استفاده از ابزارهای این پژوهش با نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول مکاتبه کنند.

1. internal consistency

پویش‌شناسی روانی «خود» در دانشجویان ایرانی و آمریکایی

(آهنگی، عابدین و فتح‌آبادی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر اعتبار و روایی این ابزار در نمونه‌ای ۳۰ نفری از دانشجویان بررسی شد. بر این اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و اعتبار بر اساس ضرایب همبستگی بازآزمایی با فاصله ۱۵ روز از ۰/۸۷ برای محور حسی/شهودی تا ۰/۹۴ برای محور برون‌گرایی/درون‌گرایی به دست آمد.

جهت اطمینان از روایی نیز همبستگی نمره‌های پیوسته این مقیاس با نمره‌های مقیاس‌های فهرست صفات، پرسشنامه شخصیتی نئو و پرسشنامه کالیفرنیا محاسبه شد. در مورد مقیاس فهرست صفات بیشترین ضریب همبستگی ۰/۵۶ و مربوط به ارتباط محور درون‌گرایی/برون‌گرایی با دگرخواهی جنسی بود. در مورد پرسشنامه شخصیت نئو نیز بیشترین ضریب همبستگی ۰/۷۳ و مربوط به ارتباط محور درون‌گرایی/برون‌گرایی با عامل برون‌گرایی پرسشنامه نئو بود. همچنین در مورد پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا بیشترین ضریب همبستگی ۰/۶۶ در ارتباط درون‌گرایی/برون‌گرایی با مقیاس مردم‌آمیزی بود.

**۲. فهرست صفات.** این فهرست شامل ۳۰۰ صفت و عبارت صفت‌ساز است و ویژگی‌های خود یا دیگران را ارزیابی می‌کند. متوسط زمان اجرای این فهرست بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه است. این آزمون شامل ۳۷ ویژگی است که به پنج گروه کلی مقیاس‌های نحوه برخورد، نیاز، موضوعی، تحلیل تبادلی و مقیاس منطقی - خلاقیت دسته‌بندی می‌شود (گاف و هیلبران، ۱۹۸۳). شیوه‌های نمره‌گذاری متفاوتی از جمله نرم‌افزار کامپیوتری و کلید کاغذی برای این سنخ‌نما وجود دارد. در این بررسی از نرم‌افزار برای نمره‌گذاری استفاده شد. نمره فرد در هر زیرمقیاس بر اساس شمارش تعداد فهرست‌های علامت‌زده شده در آن زیرمقیاس است. در برخی از زیرمقیاس‌ها همچنین صفات متضادی وجود دارد که طبق دستورالعمل انتخاب آن‌ها از نمره کلی زیر مقیاس مربوطه کم می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌ها، در مردان از ۰/۵۶ تا ۰/۹۵ و در زنان از ۰/۵۳ تا ۰/۹۴ متغیر بوده و همبستگی پیش‌آزمون - پس‌آزمون نیز از ۰/۳۴ تا ۰/۷۷ ارزیابی شده است (گاف و هیلبران، ۱۹۸۳).

بررسی‌های روایی نیز نتایج رضایت‌بخشی را گزارش کرده‌اند (استرنبرگ و لوبارت، ۱۹۹۱؛ سرچنت و سدلاسک، ۱۹۹۰؛ اولیا و گارسیا، ۱۹۸۹؛ هینزن و تیوان، ۱۹۸۸). ترجمه‌های قابل قبولی نیز به فرانسه، آلمانی، عبری، ایتالیایی، ژاپنی، نروژی، پرتغالی، اسپانیایی، ویتنامی و تایلندی برای این مقیاس وجود دارد (گاف و هیلبران، ۱۹۸۳). در ایران این فهرست توسط عابدین و فاتحی (۱۳۸۸) ترجمه و سپس روایی ترجمه آن بررسی شد. ضرایب آلفا کرونباخ در یک نمونه ۳۰ نفری از دانشجویان در پژوهش حاضر در بیشترین مورد ۰/۹۴ برای مقیاس تعداد

صفات علامت‌زده مطلوب، و در کمترین موارد ۰/۶۶ برای مقیاس خلاقیت پایین - هوش بالا (الف) بود. ضرایب همبستگی بازآزمایی با فاصله ۱۵ روز برای تمامی موارد معنادار و از ۰/۸۲ برای مقیاس مهرورزی تا ۰/۳۵ برای مقیاس پرخاشگری به دست آمد. جهت اطمینان از روایی نیز همبستگی نمره‌های پیوسته این مقیاس با نمره‌های سنخ‌نمای مایرز-بریکز، پرسشنامه شخصیتی نئو و پرسشنامه کالیفرنیا محاسبه شد. در مورد سنخ‌نمای مایرز - بریکز بیشترین ضریب همبستگی ۰/۵۶ و مربوط به ارتباط محور درون‌گرایی/برون‌گرایی با دگرخواهی جنسی بود. در مورد پرسشنامه شخصیت نئو نیز بیشترین ضریب همبستگی ۰/۷۲ و مربوط به ارتباط مقیاس استقامت در فهرست صفات با عامل وظیفه‌شناسی پرسشنامه نئو بود. همچنین در مورد پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا بیشترین ضریب همبستگی ۰/۶۹ در ارتباط با مقیاس تعداد صفات علامت‌زده مطلوب فهرست صفات با مقیاس خودشکوفایی پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا بود.

#### یافته‌ها

نمونه شامل ۷۵۴ نفر (۶۲/۸۳٪) دانشجوی زن با میانگین سنی ۲۰/۴۲ و انحراف معیار ۱/۸۶ و ۴۴۶ نفر (۳۷/۱۶٪) دانشجوی مرد با میانگین سنی ۲۰/۴۳ و انحراف معیار ۲/۲۸ بود. تمامی این دانشجویان در مقطع تحصیلی کارشناسی بودند و ۲۲٪ زنان و ۵۴٪ مردان در رشته‌های فنی، ۳۵٪ زنان و ۲۷٪ مردان در رشته‌های پزشکی و ۴۳٪ زنان و ۱۸٪ مردان در رشته‌های انسانی و پایه مشغول به تحصیل بودند. ۹۴٪ زنان و ۹۷٪ مردان مجرد بودند. در توزیع قومیتی نیز به ترتیب فارس‌ها (۶۶/۸۹٪ زن و ۶۱/۰٪ مرد)، آذری‌ها (۱۷/۳٪ زن و ۲۰/۲٪ مرد)، کردها (۶/۵٪ زن و ۷/۶٪ مرد) و لرها (۴/۸٪ زن و ۳/۸٪ مرد) بیشترین فراوانی را داشتند.

بررسی توصیفی نشان داد اشتراک، تعداد صفات علامت‌زده مطلوب، عاطفی‌نگری، تغییر، سازگاری شخصی، رهبری نظامی و ویژگی‌های زنانه کمترین نمرات و تعداد صفات علامت‌زده نامطلوب، مهرطلبی، خویش‌داری، ویژگی‌های مردانه و الف.۱ بیشترین نمره‌ها را داشتند. در تحلیل تبدالی والد منتقد از والد مراقب نمره بیشتر و کودک رها از کودک منطبق نمره کمتری می‌گیرد و نمره بالغ کمترین نمره را دارد. در مقیاس‌های هوش و خلاقیت نیز الف.۲ و الف.۳ کمتر و الف.۱ و الف.۴ به نسبت نمره بیشتری داشتند. در جدول ۱ فراوانی سنخ‌ها و ابعاد شخصیتی گزارش شده است.

جدول ۱. درصد فراوانی ابعاد و سنخ‌های ۱۶ گانه مایرز-بریگز در دانشجویان زن و مرد ایرانی

سنخ‌ها	زن	مرد	سنخ‌ها	زن	مرد
درون‌گرا حسی تفکری قضاوتی	۱۰/۵	۱۰/۳	برون‌گرا حسی تفکری ادراکی	۳	۳/۳
درون‌گرا حسی احساسی قضاوتی	۶/۶	۳/۱	برون‌گرا حسی احساسی ادراکی	۳/۶	۴/۹
درون‌گرا شهودی احساسی	۴/۸	۴	برون‌گرا شهودی احساسی ادراکی	۹/۳	۷/۷
درون‌گرا شهودی تفکری قضاوتی	۷/۷	۱۲/۹	برون‌گرا شهودی تفکری ادراکی	۳/۸	۴/۲
درون‌گرا حسی تفکری ادراکی	۳/۶	۴/۲	برون‌گرا حسی تفکری قضاوتی	۷/۱	۶/۶
درون‌گرا حسی احساسی ادراکی	۲/۵	۴/۲	برون‌گرا حسی احساسی قضاوتی	۸/۱	۴/۵
درون‌گرا شهودی احساسی ادراکی	۶/۳	۸/۲	برون‌گرا شهودی احساسی قضاوتی	۹/۲	۵/۹
درون‌گرا شهودی تفکری ادراکی	۳/۸	۶/۸	برون‌گرا شهودی تفکری قضاوتی	۱۰/۱	۹/۲
ابعاد	زن	مرد	ابعاد	زن	مرد
درون‌گرایی	۴۵/۸	۵۳/۷	برون‌گرایی	۵۴/۲	۴۶/۳
حس	۴۵	۴۱/۱	شهود	۵۵	۵۸/۹
تفکر	۴۹/۶	۵۷/۵	احساس	۵۰/۴	۴۲/۵
قضاوت	۶۴/۱	۵۶/۵	ادراک	۳۵/۹	۴۳/۵

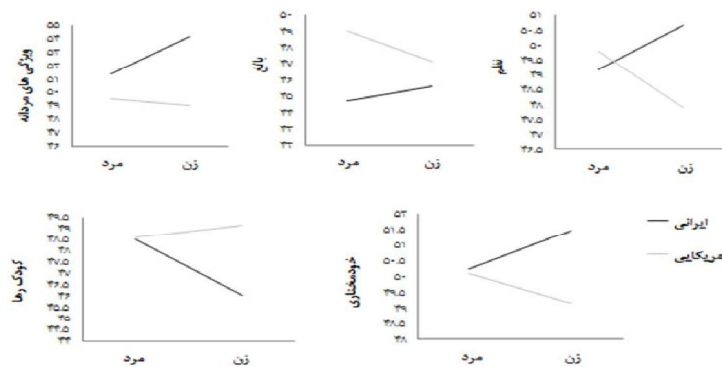
در جدول ۱، سنخ درون‌گرایی حسی تفکری قضاوتی در زنان و سنخ درون‌گرایی شهودی تفکری قضاوتی در مردان دارای بیشترین درصد فراوانی است. در کل ابعاد شخصیتی برون‌گرایی، شهودی، احساسی و قضاوتی در زنان دارای درصد بیشتری از ابعاد درون‌گرایی، حسی، تفکری و ادراکی است. در مردان این برتری به نفع ابعاد درون‌گرایی، شهودی، تفکری و قضاوتی به نسبت برون‌گرایی، حسی، احساسی و ادراکی است.

جدول ۲. تحلیل واریانس برای مقایسه زنان و مردان ایرانی و آمریکایی در فهرست صفات

مقیاس‌ها	اثر اصلی	اثر اصلی ملیت	اثر تعاملی جنس و ملیت
استقامت	۲/۱۳	۸/۴۹**	۰/۵۵
نظم	۰/۱۷	۳/۹۶*	۹/۸۴**
مهرورزی	۰/۶	۷/۴۶**	۰/۸۸
خودمختاری	۰/۰۸	۶/۱۲*	۴/۷۸
پرخاشگری	۰/۲	۷/۸۸**	۰/۴۰
آمادگی برای مشاوره	۴/۲۴*	۲/۴۲	۰/۱۳
سازگاری شخصی	۵/۲۶*	۱۳۵/۵۲	۰/۴۱
ویژگی‌های مردانه	۳/۹۸*	۳۹/۶۱	۸/۷۴*
ویژگی‌های زنانه	۹/۱۴*	۱۰۹/۷۰	۲۱/۹۱
بالغ	۱/۰۱	۳۳/۳۱	۷/۳۳**
کودک رها	۳/۷۲	۹/۸۸**	۸/۶۹**
خلاقیت بالا، هوش پایین: الف.۱	۶/۳۸*	۷۹/۹۳	۰/۸۲
خلاقیت پایین، هوش پایین: الف.۳	۰/۲	۹۹/۱۵	۰/۵۵
خلاقیت پایین، هوش بالا: الف.۴	۰/۰۸	۷/۰۶**	۰/۰۱

\*P<۰/۰۵ \*\*P<۰/۰۱

در جدول ۲ تفاوت بین دانشجویان زن و مرد ایرانی و آمریکایی در اسنادهای شخصیتی، اثرهای ساده و تعاملی متغیرهای مستقل جنس و ملیت بر متغیر وابسته فهرست صفات با روش تحلیل واریانس آزمون و ارائه شد. در این جدول تحلیل واریانس برای اثر اصلی ملیت نشان می‌دهد که ایرانی‌ها در پرخاشگری، خودمختاری و نظم از آمریکایی‌ها نمره بالاتری می‌گیرند. آمریکایی‌ها نیز در مقیاس‌ها استقامت، مهرورزی، کودک رها و الف.۴ از ایرانی‌ها نمره بیشتری دارند. بررسی اثر تعاملی جنس و ملیت نشان داد مقیاس‌های نظم، بالغ و کودک رها و خودمختاری و ویژگی‌های مردانه متأثر از تعامل جنس و ملیت است. در سایر مقیاس‌ها تفاوت معناداری مشاهده نشد.



شکل ۱. نمودار تعاملی جنس و ملیت در مقیاس‌های نظم، بالغ و ویژگی‌های مردانه، خودمختاری و کودک رها

در شکل ۱، نمودار بالا و راست نشان‌دهنده این است که نظم در زنان ایرانی بیش از زنان آمریکایی است و در مردان میانگین نظم آمریکایی‌ها بزرگتر است. در مقیاس بالغ (نمودار ۱، بالا وسط) به‌طور کلی میانگین آمریکایی‌ها بیش از ایرانی‌ها است. اما در ایرانی‌ها زنان نمره بیشتری از مردان دارند و در آمریکایی‌ها مردان نمره بیشتری از زنان دارند. در نمودار ویژگی‌های مردانه (نمودار ۱، بالا و چپ) میانگین ایرانی‌ها بیشتر از آمریکایی‌هاست. زنان ایرانی از مردان ایرانی نمره بیشتری می‌گیرند در حالی که در آمریکا نمره زنان در این مقیاس کمتر از مردان است. از آن‌جا که شیب این نمودار در ایران تندتر از آمریکاست می‌توان گفت که این تفاوت جنسی در ایران بیش از آمریکا است. فاصله ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها، شبیه مقیاس نظم، و در زنان بیش از مردان است. نمودار ۱، پایین و راست نشان می‌دهد در خودمختاری، زنان آمریکایی نمره کمتری از مردان می‌گیرند ولی در ایران نمره خودمختاری زنان بیش از مردان است. نمودار تعاملی کودک رها (نمودار ۱، پایین و چپ) نیز نشان می‌دهد زنان ایرانی نمره کمتری از مردان ایرانی دارند ولی در آمریکا نمره زنان از مردان بیشتر است. همان‌طور که در غالب نمودارها واضح است



یویش‌شناسی روانی «خود» در دانشجویان ایرانی و آمریکایی

فاصله ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها در مردان ناچیز بوده اما در زنان چشم‌گیر است. جهت بررسی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد ایرانی و آمریکایی در ابعاد شخصیتی آزمون خی‌دو به‌طور جداگانه انجام گرفت.

### جدول ۳. مقایسه ابعاد شخصیتی مایرز - بریگز دانشجویان ایرانی و آمریکایی با آزمون خی‌دو

درون‌گرایی/برون‌گرایی	حس/شهود	تفکر/احساس	قضاوت/ادراک	
۹/۵۷**	۶۵/۹۵**	۶۹۹/۹۹**	۲۱/۵۴**	زن ایرانی/زن آمریکایی
۴/۴۴*	۵۴/۱۷**	۶/۹۲**	۲/۱۹**	مرد ایرانی/مرد آمریکایی
۱۹/۱۳**	۴/۶۴*	۱۹/۲۴**	۱۷/۵۲	زن ایرانی/مرد ایرانی
۴۲۸/۷۶**	۸/۱۸**	۷۰۷۱/۶۱**	۴۱/۱۸**	زن آمریکایی/مرد آمریکایی

\*P<۰/۰۵ \*\*P<۰/۰۱

جدول ۳ بیانگر معناداربودن تمام مقایسه‌ها به جز تفاوت مردان ایرانی با آمریکایی در بُعد قضاوت-ادراک است. زنان ایرانی درون‌گراتر، شهودی‌تر، تفکری‌تر و قضاوتی‌تر از زنان آمریکایی و مردان ایرانی درون‌گراتر، شهودی‌تر و احساسی‌تر از مردان آمریکایی هستند.

### جدول ۴. مقایسه سنخ‌های مایرز - بریگز دانشجویان ایرانی و آمریکایی با آزمون خی‌دو

سنخ‌های شخصیتی	زن ایرانی/آمریکایی	مرد ایرانی/آمریکایی	زن/مرد ایرانی	زن/مرد آمریکایی
درون‌گرا حسی تفکری	۱۵/۴۴**	۱/۹۱	۰/۰۲	۴۱۹/۸۴**
درون‌گرا حسی احساسی	۱۷/۲۸**	۴/۵۹*	۳۱/۳**	۱۰۲۵/۵**
درون‌گرا شهودی	۲/۰	۳/۲۶	۱/۱۷	۷۳/۱۵**
درون‌گرا شهودی تفکری	۱۰۹/۱۹**	۵۰/۴۸**	۱۸/۱۹**	۲۹۷/۸۶**
درون‌گرا حسی تفکری	۴/۰۳*	۴/۵۶*	۰/۷	۴۳۴/۵۱**
درون‌گرا حسی احساسی	۱۴/۴۵**	۰/۰۳	۵/۲۹*	۱۰۰/۴۳**
درون‌گرا شهودی	۰/۶	۷/۲۲**	۳/۳۶	۳/۵
درون‌گرا شهودی تفکری	۱۱/۳۶**	۰/۰۰۷	۱۰/۳۸**	۴۸۴/۰۷**
برون‌گرا حسی تفکری	۰/۱۶	۸/۰۱**	۰/۱۴	۳۵۴/۰۸**
برون‌گرا حسی احساسی	۲۲/۲۷**	۰/۲۸	۲/۸۱*	۵۲۸/۴۴**
برون‌گرا شهودی	۴/۳۹*	۱/۴۱	۲/۶۶	۷۴۳/۸۹**
برون‌گرا شهودی تفکری	۰/۲۶	۴/۴۵*	۰/۲۳	۲۴۶/۱۴**
برون‌گرا حسی تفکری	۰/۲۸۱	۱۵/۸۸**	۰/۳۸	۴۸۸/۳۳**
برون‌گرا حسی احساسی	۲۸/۵۶**	۰/۸۲	۲۲/۶۱**	۲۵۸۶/۴**
برون‌گرا شهودی	۹/۳۶**	۱۲/۵۲**	۱۴/۳۵**	۵۹۳/۹۷**
برون‌گرا شهودی تفکری	۱۱۳/۱۷**	۹/۵۳**	۰/۶۹	۱۷۳/۳۳**

\*P<۰/۰۵ \*\*P<۰/۰۱

در جدول ۴ نتایج مقایسه ابعاد ۱۶ گانه شخصیت نمایش داده شده است

جدول ۵. درصد فراوانی سنخ‌های شخصیتی ۱۶ گانه مایرز - بریگز به تفکیک جنس و ملیت

ایرانی		آمریکایی		سنخ	آمریکایی		ایرانی	
زن	مرد	زن	مرد		زن	مرد	زن	مرد
۶/۷	۲/۸۱	۳/۳	۳/۰	ب‌حت‌تک	۱۲/۴	۶/۸	۱۰/۳	۱۰/۵
۴/۴	۸/۳۳	۴/۹	۳/۶	ب‌ح‌اک	۵/۴	۱۱/۴	۳/۱	۶/۶
۶/۲	۱۱/۷۴	۷/۷	۹/۳	ب‌ش‌اک	۲/۶	۳/۷	۴/۰	۴/۸
۶/۷	۳/۵	۴/۲	۳/۸	ب‌ش‌ت‌ک	۵/۴	۲/۱	۱۲/۹	۷/۷
۱۲/۸	۶/۶۸	۶/۶	۷/۱	ب‌ح‌ت‌ق	۶/۸	۲/۴	۴/۲	۳/۶
۵/۴	۱۵	۴/۵	۸/۱	ب‌ح‌اق	۴	۵/۷	۴/۲	۲/۵
۲/۹	۶/۴	۵/۹	۹/۲	ب‌ش‌اق	۵/۳	۵/۶	۸/۲	۶/۳
۵/۷	۳/۲	۹/۲	۱۰/۱	ب‌ش‌ت‌ق	۶/۶	۲	۶/۸	۳/۸

د: درون‌گرایی، ب: برون‌گرایی، ح: حسی، ش: شهودی، ت: تفکری، ا: احساسی، ق: قضاوتی، ک: ادراکی

در جدول ۵ درصد فراوانی این سنخ‌ها به تفکیک سنخ، جنس و ملیت نمایش داده شده است. از میان ۶۴ مقایسه صورت گرفته ۴۲ مقایسه معنادار بود و پررنگ‌ترین سنخ‌ها برای زنان ایرانی، سنخ درون‌گرایی حسی تفکری قضاوتی، برای مردان ایرانی، درون‌گرایی شهودی تفکری قضاوتی، و زنان آمریکایی، برون‌گرایی حسی احساسی قضاوتی و مردان آمریکایی، برون‌گرایی حسی تفکری قضاوتی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

تفسیر نیم‌رخ صفات در ایران گویای دشواری در سازگاری با انتظارات زندگی بین فردی، و نیز کاستی نسبی در ارزیابی مطلوبیت اجتماعی خویش است. هم‌چنین درگیری کمتری برای فهم رفتار خود و دیگران وجود دارد. به‌علاوه دامنه محدودی برای علایق و قابلیت کمتری برای مقابله با فشار روانی به چشم می‌خورد. جستجوی ثبات در محیط، اجتناب از روابط صمیمی، تردید در توانایی خود برای مواجهه با فشارها، ارزش‌گذاری بیش‌تر بر خودمختاری و انفعال از رابطه، و نیز طرد خود و تلخی با دیگران، همراه با رهبری ضعیف، خویش‌داری، سماجت در رسیدن به هدف از دیگر مشخصه‌های نیم‌رخ صفات در ایران است. تحلیل تبادلی نشان‌دهنده بلوغ کم و زخم‌خوردگی (کودک منطبق) و انتقادگری والدانه بیشتر است. مطالعه مطبوعی و همکاران (۱۳۸۹)، روبن‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) و عابدین (۲۰۰۸) از نیم‌رخ صفات به‌ترتیب در آذری‌ها، یهودی‌ها و ایرانیان مهاجر آمریکا نشان‌دهنده خویش‌داری قابل توجه و تمایل کم برای تغییر

یویش‌شناسی روانی «خود» در دانشجویان ایرانی و آمریکایی

بود که می‌تواند گویای وضعیت غالب محافظه کار باشد. رهبری هم در جمعیت یهودیان تهران و هم در دانشجویان کم‌رنگ بود. محافظه کاری غالب در کنار رهبری پایین از لحاظ مفهومی همسو با نتایج بررسی عابدین (۲۰۰۸) است. وی دیکتاتور بخشنده و منفعل مخالفت‌جو را توصیف غالب مردان و زنان مهاجر ایرانی ذکر می‌کند که محوریت آن بر قدرت قرار دارد. درکل ناامنی و تنش در روابط می‌تواند به‌عنوان برابند توصیف خود در نیم‌رخ صفات پیشنهاد گردد.

تفسیر سنخ‌شناسی توصیفی دانشجویان ایرانی نشان داد زنان و مردان بیش از دنیای بیرونی (برون‌گرا) انرژی خویش را صرف دنیای درونی (درون‌گرا) کرده و از آن انرژی کسب کنند. هنگام ارتباط با بیرون و کسب اطلاعات زنان ایرانی بیش‌تر واقعیت‌های عینی (حسی) را ترجیح می‌دهند در حالی‌که مردان بیش‌تر الگوی کلی و امکانات جدید (شهودی) را ترجیح می‌دهند. سنخ غالب در تمام بررسی‌های پیشین از جمله روبن‌زاده، عابدین، فاتحی، و مطیعی (۱۳۸۸)؛ مطیعی، عابدین، فاتحی و روبن‌زاده (۱۳۸۸)؛ عابدین (۲۰۰۸) و اسماعیل (۱۳۸۴) سنخ برون‌گرای حسی با قضاوت تفکری گزارش شده است. این تفاوت احتمالاً برخاسته از گروه‌های نمونه متفاوت است. نمونه‌گیری مطیعی و همکاران (۱۳۸۸)، روبن‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و اسماعیل (۱۳۸۴) به‌شیوه در دسترس بوده است که برون‌گراها احتمالاً بیشتر برای شرکت در پژوهش آن‌ها داوطلب بوده‌اند. نمونه این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های ذکر شده می‌تواند نمونه‌ای معرف‌تر باشد.

مقایسه دانشجویان زن و مرد ایرانی و آمریکایی در صفات نشان‌دهنده نمره نسبتاً بالاتر زنان ایرانی در نظم و بلوغ در مقایسه با سایر گروه‌ها و پایین‌تر بودن واکنش‌های خود به‌خودی و لذت در آنان است. تجزیه تحلیل عقلانی در آمریکایی‌ها بیش از ایرانی‌ها است. این تفاوت مشاهده‌شده می‌تواند با توسعه‌یافتگی بیشتر جامعه آمریکا همسو باشد که بر اساس نظر سریع‌القلم (۱۳۹۱) از پیش نیازهای توسعه‌یافتگی است. دانشجویهای ایرانی‌ها به‌طور کلی بیشتر از دانشجویان آمریکایی دارای شیوه‌های رفتاری و ترجیحات مردانه هستند و زنان دانشجوی ایرانی در این ویژگی‌های مردانه از هم‌تایان مرد خود و حتی از مردان آمریکایی نیز نمره بیشتری می‌گیرند. این نتایج در راستای پژوهش عباس‌زاده معینی زاده و ودیعی (۲۰۱۲) و گرمی (۲۰۰۳) بر مردانه‌تر بودن ایرانی‌ها و بیش مردانگی قوانین در ایران است. مردانه‌تر بودن نمونه ایرانی این پژوهش در مقایسه با نمونه آمریکایی همسو با برتری نسبی ایرانیان در مقیاس پرخاشگری و نیز گرایش بیشتر آنان به‌ویژه زنان به خودمختاری نیز هست.

در این راستا واتکینز، مرتضوی و ترافیموا (۲۰۰۰) بر تمایل بیشتر جوانان ایرانی و هنک‌کنگی بر استقلال در مقایسه با جوانان آمریکایی تأکید داشته و دادستان و همکاران (۱۳۸۳) نیز به فاصله‌گیری بیشتر دانشجویان ایرانی، در مقایسه با آمریکایی و به‌ویژه دختران از

ارزش‌ها و بازخوردهای والدین اشاره داشتند. گرایش بیشتر دانشجویان ایرانی به رقابت و پرخاشگری همسو با یافته‌های رامیرز (۲۰۰۷) در خصوص پرخاشگری منفعل و هیجانی بیشتر در ایران، بررسی سریع‌القلم (۱۳۸۶) در مورد نقش ستیزه‌جویی در تاریخ ایران بعد از قاجار و اشاره میرزایی (۱۳۸۴) بر فردگرایی عمودی با محوریت رقابت در ایران است.

با توجه به این‌که گروه نمونه پژوهش حاضر از میان افراد موفق در حیطه تحصیلی به‌دست آمده است، نشان می‌دهد که احتمالاً این رقابت‌جویی و پرخاشگری بالا و مهرورزی پایین رفتارهای آموخته‌شده جهت پیشرفت در جامعه‌ای با این ساختار عمودی است. تبیین وضعیت زنان دانشجو در ایران با توجه به تفاوت غالبشان با سایر گروه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقایسه سنخ‌شناسی دانشجویان زن و مرد ایرانی و آمریکایی نشان داد تفاوت عمده در خصوص درون‌گرایی/ برون‌گرایی و نیز شهود/ حس قرار دارد.

زنان ایرانی در وجه غالب خود ساکت و جدی بوده و زنان آمریکایی خونگرم، و همکاری‌کننده هستند. مردان ایرانی غالباً ذهن اصیل و انگیزه قوی برای اجرای نظرهای خویش دارند و مردان آمریکایی عمل‌گرا و واقع‌گرا هستند. یافته‌های تراکیانو و مک‌کرا (۲۰۰۶) در مورد درون‌گراتر بودن آسیایی‌ها و آفریقایی‌ها در مقایسه با اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها و نیز اشاره قاسمی و معماریان (۱۳۸۹) و گودرزی و افشاری (۱۳۸۷) بر برون‌گرا بودن معماری در اروپا و درون‌گرایی آن در ایران می‌تواند همسو با این یافته‌ها باشد. بررسی‌هایی که مفهوم شهود در مقابل عینیت و جزءنگری را به‌صورت فرهنگی بررسی کرده‌اند قوی‌تر بودن تفکر کل‌نگر شهودی در مقابل عینیت را در ایران و فرهنگ ایرانی متذکر شده‌اند (حاتمی، قریبعلی و بی‌جن‌خان، ۱۳۹۰؛ رستگارپور، ۲۰۱۱؛ بیک محمدزاده، ۱۳۸۹). در یک تصویر نهایی می‌توان گفت تنش بالایی در سطح ارتباط‌های صمیمانه و اجتماعی در ایران حاکم است. رقابت‌جویی و پرخاشگری بالا و مهرورزی پایین احتمالاً رفتارهای آموخته شده جهت بقاء و پیشرفت در ساختار اجتماعی عمودی است که در آن بیش از جمع‌گرایی و فردگرایی هرم قدرت مطرح است.

نقش ویژه زنان دانشجوی ایرانی در این ساختار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نیاز به بررسی بیشتر دارد. البته این بررسی جمعیت ایرانی غیردانشجو را در نظر نداشت و نمونه مذکور نیز از میان دانشگاه‌های دولتی تهران انتخاب شد. بنابراین در تعمیم نتایج به ویژگی‌های شخصیتی افراد غیردانشجو و کل دانشجویان ایرانی محدودیت وجود دارد. هم‌چنین در دسترس نبودن نمره‌های هنجار ایرانی و عدم دسترسی به گروه نمونه کاملاً معادل و هم‌زمان در آمریکا محدودیت دیگری است که باید در نظر گرفته شود.

## منابع

- آهنگی، اکرم، عابدین، علیرضا. و فتح‌آبادی، جلیل. (۱۳۸۸). رابطه بین تیپ‌های شخصیت با سبک-های حل مسئله در کارکنان دانشگاه. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۴ (۱۲): ۴۰ - ۶۱.
- بیک محمدزاده، مرصده. (۱۳۸۹). بررسی فضا، فرم، رنگ و جهان‌بینی هنرمند در مکاتب شیراز، هرات و تبریز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- پروچسکا، جیمز او و نورکراس. و جان. سی. (۱۳۸۱). *نظریه‌های روان‌درمانی*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. انتشارات رشد. تهران.
- پورحسین، رضا. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی خود*. انتشارات امیرکبیر. تهران.
- حاتمی، جواد، قریبعلی، اکرم، بی‌جن‌خان، فاطمه. (۱۳۹۰). تفاوت در الگوی تخصیص توجه در دانشجویان ایرانی، آسیای شرقی و اروپایی: یک مطالعه مقدماتی. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۴۱ (۴): ۴۰ - ۴۹.
- دادستان، پریخ، حق‌بین، محسن، بزازیان، سعیده. و حسن‌زاده توکلی، محمدرضا. (۱۳۸۳). جدایی روان‌شناختی از والدین و پیشرفت تحصیلی، یک پژوهش درباره تفاوت‌های جنسی و فرهنگی. *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۱۱ (۱): ۲۰ - ۳.
- روبن‌زاده، شرمین، عابدین، علیرضا، فاتحی، مریم و مطیعی، حورا. (۱۳۸۸). بررسی ابعادی چند و سنخ‌شناسی شخصیت یهودیان تهران. *اولین همایش سراسری روان‌شناسی پویایی در ایران*. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۱). *عقلانیت و توسعه یافتگی ایران*. انتشارات فروزش. تهران.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۶). *فرهنگ سیاسی ایران*. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. تهران.
- شهیدی، شهریار، جان نثاری، نرجس. (۱۳۸۲). اثرات آموزش بر نگرش دانشجویان نسبت به سالمندان. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۳، ۹۲ - ۷۸.
- عابدین، علیرضا، و فاتحی، مریم. (۱۳۸۸). *فرم ام سنخ‌نمای مایرز بریگز*. موسسه افق‌های نوین تحول. منتشر نشده.
- عابدین، علیرضا، و فاتحی، مریم. (۱۳۸۸). *آزمون فهرست صفات*. موسسه افق‌های نوین تحول. منتشر نشده.
- غباری‌بناب، باقر. (۱۳۸۹). ضرورت و چالش‌ها در بومی‌سازی روان‌شناسی در کشور اسلامی ایران. *دومین کنگره ملی علوم انسانی*.
- قاسمی‌سیچانی، مریم. و معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان. *نشریه هویت شهر*، ۵ (۷): ۹۴ - ۸۷.
- قربانی، نیما، واتسون، پی. جی. (۱۳۸۵). بررسی خود شیفتگی ناسالم در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی و آمریکایی. *مجله روان‌شناسی معاصر*، ۱، ۲۸ - ۲۰.

سمیه بابائی، شهریار شهیدی، محمود حیدری، و ...

گودرزی سروش، محمدمهدی، و افشاری بصیر، محمدرضا. (۱۳۸۸). درون‌گرایی، معنا و مفهومی پایدار در معماری ایران. *اولین همایش معماری پایدار*. همدان. آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما.

محمد اسماعیل، الهه. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه شانزده تیپ شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*. ۳۵ (۱): ۱۳۴ - ۱۲۱.

مطیعی، حورا، عابدین، علی‌رضا، فاتحی، مریم و روبن‌زاده، شرمین. (۱۳۸۸). بررسی ابعادی چند و سنخ‌شناسی شخصیت آذری‌های ایران. *اولین همایش سراسری روان‌شناسی بومی در ایران*.

میرزایی، حسین. (۱۳۸۴). *بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در ایران*. پایان‌نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی. دانشکده جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

وثوقی، منصور، میرزایی، حسین، و رحمانی، جبار. (۱۳۸۴). فردگرایی و جمع‌گرایی ایرانیان از دید سیاحان خارجی. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ۳، ۳۲۲ - ۳۰۳.

وزیری، الهه. (۱۳۶۴). تذهیب عروج نقش و رنگ در هنر اسلامی. *کیهان فرهنگی*. ۱۷، ۳۲-۳۰.

وکیلی، حسین‌علی. (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی به فارسی*. انتشارات چاچ اقبال. تهران.

- Abbaszadeh, M., Moeinizadeh, M., & Vadie, M. (2012). Cross-cultural study of accounting students' perception of accounting ethics in Iran and United Kingdom. *African Journal of Business Management*. 6 (44): 11049-11056
- Abedin, A. R. (2008). *Some Aspect of Temperament and Jungian Typology Assessment of Iranian Immigrants to the United States*. 2<sup>nd</sup> International Conference on psychology, Athens, Greece.
- Berne, E. (1961). *Transactional Analysis in psychotherapy*. New York: Grove Press.
- Carlyn, M. (1977). An assessment of the Myers-Briggs Type Indicator. *Journal of Personality Assessment*, 41, 461-473.
- Carlyn, M. (1976). *The relationship between Myers-Briggs personality characteristics and teaching preferences of prospective teachers*. Doctoral dissertation, Michigan State University.
- Carlson, J. G. (1985). Recent assessments of the Myers-Briggs Type Indicator. *Journal of Personality Assessment*, 49 (4): 356-365.
- Carskadon, T. G. (1979). Clinical and counseling aspects of the Myers-Briggs Type Indicator: A research review. *Journal of Research in Psychological Type*, 2, 2-31.
- Carskadon, T. G. (1977). Test-retest reliabilities of continuous scores on the Myers-Briggs Type Indicator. *Journal of Psychological Reports*, 41, 1011-1012.
- Fleenor, J. W. & Mastrangelo, P. M. (2001). *Test review of the Myers-Briggs Type Indicator Form M*. From B. S. Plake & J. C. Impara (Eds.), the fourteenth mental measurements yearbook [Electronic version]. Retrieved September 12, 2003, from the Buros Institute's Test Reviews Online website: <http://www.unl.edu/buros>

- Gerami, Sh. (2003). Mullahs, martyrs, and men conceptualizing masculinity in the Islamic republic of Iran. *Journal of Men and Masculinities January*, 5(3): 257-274.
- Ghorbani, N., Bing, M. N., Watson, P. J., Davison, H. K., & LeBreton, D. L. (2003). Individualist and collectivist values: Evidence of compatibility in Iran and the United States. *Journal of Personality and Individual Differences*, 35, 431-447.
- Gough, H. G., & Heilbrun, A. B. (1983). *The Adjective Check List Manual* (1983 Ed.). Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Harb, C., & Smith, P. B. (2008). Self-construals across cultures: Beyond independence-interdependence. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 39(2): 178-197.
- Hardin, E. E., Leong, F. L., & Bhagwat, A. A. (2004). Factor structure of the Self-Construal Scale revisited. Implications for the multidimensionality of the self-construal. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 35, 327-345.
- Heinzen, T., & Teevan, R. (1988). Correlates of achievement, dominance, and creativity. *Journal of Psychological Reports*, 63(2): 443-446.
- Hofstede, G. (1991). *Cultures and organizations: Software of the mind*. London: McGraw-Hill.
- Kitayama, S., Duffy, S., & Uchida, Y. (2007). *Self as Cultural Mode of Being*. In *Handbook of Cultural Psychology* (pp. 136-175). New York: Guilford Press.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1998). The cultural psychology of personality. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 29, 63-87.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Journal of Psychological Review*, 98(2): 224-253.
- McCarley, N. G. & Carskadon, T. G. (1983). Test-retest reliabilities of scales and subscales of the Myers-Briggs Type Indicator and of criteria for clinical interpretive hypotheses involving them. (Nancy G. McCarley, Winner, 1983, Isabel Briggs Myers Memorial Research Award.) *Journal of Research in Psychological Type*, 6, 24-36.
- Myers, I. B., McCaulley, M. H., Quenk, N. L., & Hammer, A. L. (1998). *MBTI manual: A guide to the development and use of the Myers-Briggs Type Indicator* (3rd Ed). Palo Alto: Consulting Psychologists Press.
- Olea, J., & Garsia, C. (1989). Concurrent and factorial validity of some measures of creative persons, processes, and products. *Journal of Psicologica*, 10(1): 49-61.
- Oxford dictionaries. Retrieved March 15, 2013. Website: [www.oxforddictionaries.com/browse/self](http://www.oxforddictionaries.com/browse/self).
- Ramirez, J. M. (2007). Justification of aggression in several Asian and European countries with different religious and cultural background. *International journal of behavioral development*, 31 (3): 9-15.

- Rastegarpour, A. (2011). A Cross-cultural Comparison of Objectivity in Childhood Games: Iran and the United States. *Indian Journal of Psychological Medicine*, 33(2): 199-202
- Santamaría, A., La Mata, M. L. D., Hansen, T.G. B., & Ruiz, L. (2010). Cultural Self-Construals of Mexican, Spanish, and Danish College Students: Beyond Independent and Interdependent Self. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 41, 471.
- Satterwhite, W. R. C. & Saiz, J.L. (1998). The Importance of Psychological Traits: A Cross-Cultural Study. New York: Plenum Press.
- Sergent, M., & Sedlacek, W. (1990). Volunteer motivations across student organizations: A test of person-environment fit theory. *Journal of college student development*, 31(3): 255-261.
- Steele, R.S., & Kelly, T.J. (1976). Eysenck Personality Questionnaire and Jungian Myers- Briggs Type Indicator correlations of extraversion-introversion. *Journal of consulting and clinical psychology*, 44, 690-691.
- Stricker, L. J., & Ross, J. (1964). An assessment of some structural properties of the Jungian personality typology. *Journal of Abnormal & Social Psychology*, 68, 62-71.
- Triandis, Harry C. (1998). *Individualism and collectivism (Theoretical and Methodological Approach)*, Sage publication.
- Triandis, H. C. (1995). *Individualism and collectivism*. Boulder, CO: Westview.
- Watkins, D., Mortazavi, Sh., & Trofimova, I. (2000). Differences in Importance and Satisfaction Ratings Independent and Interdependent Conceptions of Self: An Investigation of Age, Gender, and Culture. *Journal of Cross-Cultural Research*, 34, 113-134.